

کوتاه از دیپلماسی

وزیر خزانهداری آمریکا:

### تهران به تعهدات برگردد، واشنگتن لغو تحریم‌ها را بررسی می‌کند

● **ایلنا:** وزیر خزان‌ه‌داری آمریکا گفت که اگر تهران به رعایت تعهدات برجامی خود بازگردد، واشنگتن لغو برخی از تحریم‌ها علیه این کشور را بررسی خواهد کرد. به گزارش اسپوینیک، جنت یلن گفت: «ما با دقت زیاد به بررسی و تجزیه و تحلیل این موضوع خواهیم پرداخت که لغو کدام تحریم‌ها علیه ایران مناسب خواهد بود. این تحریم‌ها در شرایطی لغو می‌شود که ایران کام‌های مرتبط با رعایت مفاد برجامی را بردارد». یلن همچنین گفت که اگر ایران رعایت کامل برجام را از سر بگیرد، ما هم به همین شکل اقدام خواهیم کرد و آمریکا همراه متحدان خود روی این موضوع کار می‌کند که دوزدن محدودیت‌ها دشوار باشد.

**عضو هیئت ایران در سازمان ملل:**

### ایران عجله‌ای برای توافق ناقص در مذاکرات برجام ندارد

● **ایسنا:** شاهرخ ناظمی، رئیس دفتر مطبوعاتی نمایندگی دائمی ایران در نیویورک، درباره احیای توافق هسته‌ای و مذاکرات اخیر پیرامون آن در وین به نیوزویک گفت: «ما می‌خواهیم به توافقی خوب درباره اقداماتی برسیم که آمریکا باید برای بازگشت به برجام انجام دهد. برای انجام‌دادن این، عجله‌ای نداریم که روی موارد ناقص توافق کنیم.»

ناظمی درباره نظرات برخی تحلیلگران مبنی بر اینکه ممکن است انتخابات ریاست جمهوری ایران که در خردادماه برگزار خواهد شد، تأییداتی بر روند مذاکرات احیایی برجام بگذارد، این موضوع را نفی کرد و گفت: «نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایران ارتباطی به مذاکرات ادامه‌دار وین ندارد.»

او اظهار کرد که این عملکرد واشگتن خواهد بود که چگونگی روند مذاکرات را تعیین خواهد کرد.

رئیس دفتر مطبوعاتی نمایندگی ایران در سازمان ملل دراین‌باره بیان کرد: «رفتار آمریکا و آمادگی آن برای عبور از سیاست‌های شکست‌خورده گذشته، بیشترین کمک را به موفقیت‌آمیزبودن مذاکرات خواهد کرد.»

او افزود: «اتفاق نظری جمعی در نظام ایران درباره رویکرد ما نسبت به برجام وجود دارد.» ناظمی در آخر گفت: «همان‌طورکه بارها گفته‌ایم، به‌محض اینکه آمریکا تحریم‌هایش را طبق تعهداتش در برجام لغو کند و این کاملاً راستی‌آزمایی شود، ایران فوراً به تعهدات برجامی‌اش بازمی‌گردد.»

**ادامه از صفحه ۲**

... یک اقتصاد حاکمیت‌محور در دهه ۶۰، یک اقتصاد دولت‌محور در دهه ۷۰ و یک اقتصاد شبه‌دولت‌محور با محوریت بنگاه‌های خصولتی از دهه ۸۰ به بعد که تحت عنوان همین آموزه‌های خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی، بخش شبه‌دولتی با تکیه بر رانت و فساد بر اقتصاد مسلط شده است و نتیجه‌اش سیطره یک الیگارش‌ی رانت‌جو و فاسد بر اقتصاد شده است. در نتیجه این خصوصی‌سازی‌ها ۳۰۰ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده، با خصوصی‌سازی با اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی ۷۰ درصد نقدینگی ایجاد شده و نفت و گاز و معادن را به نام بخش خصوصی بین عده‌ای توزیع کرده‌اند و چند هزار تریلیون حباب قیمت در طول این سال‌ها ایجاد شده و حدود ۱۰ سال است که نرخ سرمایه‌گذاری دانسا رو به کاهش است. البته به نظر من آنچه واقع شده، با آن آموزه‌ها کاملاً منطبق نیست و از آن هم منحرف شده است، اما به‌هر حال ما با آن رویکرد خصوصی‌سازی به اینجا رسیدیم که خروجی‌اش با توجه به آمار مشخص است. در این خصولتی‌سازی‌ها تنها ۱۶.۷ درصد به بخش خصوصی واقعی واگذار شده و ۶۱.۳ درصد به بخش عمومی غیردولتی یا همان خصولتی‌ها واگذار شده است؛ اما به‌هر حال آغاز چنین روندی در دولت سازندگی به نام خصوصی‌سازی انجام شد که آنچه در واقع صورت گرفت، مال خود سازی بود و یک الیگارش‌ی شکل گرفت که همه چیز را در انحصار خودش قرار داد. این‌ه نه منطبق بر اقتصاد آزاد است، نه با رویکرد سوسیال‌دموکراسی که طبق آن دولت باید برای تأمین عدالت اجتماعی خط‌مشی‌گذاری کند و در بعضی از حوزه‌ها مانند خدمات عمومی، آموزش و سلامت و بهداشت که به‌اصطلاح خیر عمومی است و نباید عرصه سوداگری باشد، مداخله کند. اقتصاد کنونی ایران زاینده نابرابری است و حمایت‌های پولی و بانکی و مالی به جای اینکه شامل بخش مولد اقتصاد باشد، به سمت سوداگری مثل مسکن و زمین و بازارنگی سوق پیدا کرده و طبقه متوسط هم رفته‌رفته به سمت طبقه فرودست پایین رفته و طبقه فرودست هم ضعیف‌تر از گذشته شد. جالب است که حتی در دولت سازندگی نام مستضعف را به آسیب‌پذیر تغییر دادند و با این تغییر ادبیات گویا مسئولیت وضعیت بد اقتصادی فرودستان به جای آنکه به سیاست‌ها نسبت داده شود، به خود فرد نسبت داده می‌شود. مستضعف دلالت بر این دارد که فرد به استضعاف کشیده شده است؛ یعنی فقر و ضعف او معلول نظام اقتصادی و اجتماعی است که او را به استضعاف کشیده است؛ اما واژه آسیب‌پذیر گویا فقر را به خود فرد نسبت می‌دهد، نه اینکه معلول نظام و شرایطی باشد که به او تحمیل شده است. این همان نگاه معروف امام علی (ع) است که: «ندیدم ثروت مترکام‌شده‌ای را مگر آنکه در کنار آن، حقی تصبیع شده باشد» و در واقع ناظر بر چنین رویکردی

## سیاست

# چالش‌های اقتصاد سیاسی از هاشمی تا روحانی



علی‌رضا صادقی

سید محمد تقی‌فرق

است؛ یعنی نابرابری و تراکم و تداول ثروت در دست عده‌ای خاص را ملزم با تضییع حق می‌داند. ما این نابرابری را قبلاً به صورت ساده و بسط می‌دیدیم؛ اما حال متوجه شده‌ایم که این به صورت سیستمی است. یعنی وجود نابرابری در یک جامعه نشانگر حاکمیت یک سیستم غیرعادلانه بر جامعه است. رویکرد ما این است که مهم‌ترین وظیفه دولت برقراری عدالت است و باید با خط‌مشی‌سازی و در مواردی با مداخله روابط اقتصادی و اجتماعی را به گونه‌ای تنظیم کند که از شکل‌گیری تبعیض و نابرابری جلوگیری کند. نمونه عینی‌اش را الان می‌بینیم. در آمریکا می‌بینیم که حتی در بحث بیمه سلامت مانده‌اند و برعکس در کشورهای حوزه نوردیک و اسکاندیناوی

که رویکرد سوسیال‌دموکراسی اجرا شده، روابط اجتماعی و اقتصادی چقدر عادلانه است و تقریباً همه از یک رفاه نسبی برخوردارند و خدماتی مانند بهداشت و سلامت تبدیل به کالا نشده و همه به صورت برابر از آن برخوردارند. **آخوندی:** من بازم برمی‌گردم به همان بحث نظریه، اگر نظریه‌ای وجود نداشته باشد، هیچ کاری را نمی‌شود پیش برد. بله آقای صادقی درست می‌گویید و تا پایان سال ۹۰ صدمیلیارد دلار خصوصی‌سازی شد که ۶۱ میلیاردش به نهادهای عمومی دولتی و شبه‌دولتی، ۲۰ میلیارد دلار به سهام عدالت که در کنترل دولت بود، ۴/۵ میلیارد دلار به بخش خصوصی و ۱۲،۱۰۰ میلیارد دلار هم به نهادهای نامشخص داده شد. من تحقیق مفصلی انجام دادم و ۴۰۰ شرکت را نمونه گرفتم و بررسی کردم که شرکت الف که خریده است، مالکش کیست؟ مالک خریدار را پیدا کردم و دوباره رقوم ببینم مالک آن کیست و تا چهار ردیف تبارشاسی کردم. در نهایت

... **صادقی:**

**اقتصاد کنونی ایران زاینده نابرابری است و حمایت‌های پولی و بانکی و مالی به جای اینکه شامل بخش مولد اقتصاد باشد، به سمت سوداگری سوق پیدا کرده و طبقه متوسط هم رفته‌رفته به سمت طبقه فرودست**

**پایین رفته و طبقه فرودست هم ضعیف‌تر از گذشته شد**

... **صادقی:**

**کار درباره ارتباط دولت با طبقه فرودست هم نخصت باید دست به تولید ثروت و توان‌افزایی زد. آموزش‌وپرورش، بهداشت درمان رایگان و این قبیل نیازها خیر عمومی است و لزوماً ربطی به سوسیال‌دموکراسی ندارد. حتی در انگلستان که مادر کاپیتالیسم است هم می‌بینیم دولت در حوزه بهداشت و درمان دخالت می‌کند.** از طرفی بازهم تأکید می‌کنم که باید بازتوزیع ثروت پس از خلق ثروت انجام شود. آنهایی که شعار حمایت از فرودستان می‌دادند، مسئله خلق ثروت را مطرح نمی‌کردند و دست به توزیع منابع می‌زدند و می‌گفتند باید نفت را توزیع کنیم، درصورتی‌که نفت یک منبع بین‌نسلی است و برای دولت نیست که بتواند توزیعش کند.

**صادقی:** من اینجا لازم می‌دانم اضافه کنم که اجرای اصل ۴۴ نوعی در واقع انحراف از قانون اساسی و در تضاد با این قانون است. اگر قرار به تغییر و اصلاح بوده، باید فرآوند من برگزار می‌شد این تغییر در چارچوب تصمیمات مجمع تشخیص نمی‌کنجد.

شورای نگهبان هم به آن ۲۰ ایراد قانون اساسی گرفته بود و به‌صراحت می‌گوید که از نظر حقوقی این بازنگری اساسی نیاز به فرآوند است. **آخوندی:** ثروت باید به نحوی توزیع شود که مردم سهم بخرند. به این می‌گویند خصوصی‌سازی نه آنچه در ایران رخ می‌دهد. اکثریت مردم باید سهم بخرند. اصلاً یکی از اهداف خصوصی‌سازی این بود که مردم سهام‌دار شوند که در ایران عملاً به ضد آن تبدیل شد و سهام را به‌صورت بلوکی در اختیار نهادهای خاص قرار دادند.

**صادقی:** در ظاهر خصوصی بود وگرنه ۹۵/۷ درصد سهام به‌صورت بلوکی واگذار شد. ظاهر امر این بود که از بورس به مردم عرضه شد اما به‌صورت بلوکی واگذار شد. به نهاده‌ا و اشخاص خاص. حتی اموال عمومی‌ای که دولت حق واگذاری آنها را نداشت، واگذار شد و در اختیار یک بخش قدرتمند شبه‌دولتی قرار گرفت. آقای دکتر آخوندی سمدام رقیب را دولت‌های نهم و دهم مثال می‌زند. آنکه یک دولت بی حساب‌وکتاب بود که اتفاقاً در بخش‌هایی با جای پای دولت سازندگی گذاشت و به اسم هدفمندکردن پارانه‌ها در زمین لیبرالیسم قدم برداشت. پارانه‌ها در حذف کرد و ۴۵هزار تومان پول به مردم داد که آن هم با چاپ اسکناس و خلق پول و تولید نقدینگی و ایجاد تورم داده می‌شود. آقای آخوندی رقیب شما حتماً آن دولت نباید باشد.

**آخوندی:** مشکل این است که ما در ایران با خلط میجث مواجهیم. در ایران به سرمایه‌گذاری‌های شبه‌دولتی و وابسته به دولت، خصوصی‌سازی گفته می‌شود که اصلاً خصوصی‌سازی نیست.

**صادقی:** آقای آخوندی بر بازتوزیع ثروت تأکید دارد و ما هم قائل نیستیم که منابع توزیع شود؛ زیرا اتفاق یکی از نظریات عدالت همین موضوع بازتوزیع است و ثروت‌های عمومی نباید به‌صورت ماده خام توزیع شود اما بازتوزیع هم باید تابع سیاست‌ها و

روش‌هایی از قبیل مالیات بر ثروت و سیاست‌های رفاهی مانند آموزش رایگان و بیمه‌های درمانی باشد که منجر به فاصله و شکاف طبقاتی و آسیب به فرودستان نشود.

**آخوندی:** ببینید اصلاً خصوصی‌سازی این نیست که به نهادهای غیردولتی و شبه‌دولتی یا حتی نظامی واگذار شود؛ زیرا تمام اینها پاسخ‌گو نیستند، ریسک سرمایه خود را از جیب خودشان پرداخت نمی‌کنند و از جیب ملت می‌دهند. این شکل از واگذاری‌ها نه خصوصی‌سازی است و نه دولتی‌سازی است.

**صادقی:** دولت آقای هاشمی هم بانی چنین وضعیتی نبود. مشکل دولت آقای هاشمی هم این بود که تعزیرات حکومتی ایجاد شد، قیمت‌گذاری انجام شد و حتی نیروهای نظامی و شبه‌نظامی به اقتصاد وارد شدند و باعث شد رقابت از بین برود و بدانیم اقتصاد بازار این کارها را نکرد.

**صادقی:** آقای دکتر ما باید روی زمین واقعیت سخن بگوییم. شما خودتان در آن زمان وزیر کابینه آقای هاشمی بودید.

**آخوندی:** من در دوره وزارت‌هم هرچه شرکت بود، به بخش خصوصی و نه شبه‌دولتی واگذار کردم. ما باید ببینیم که خصوصی‌سازی چگونه شروع شد؟ هم بازم هم می‌گویم که اگر قرار است خصوصی‌سازی انجام شود، باید رقابت وجود داشته باشد و هرچه مانع رقابت می‌شود، باید حذف شود و همیشه هم بر این باور بودهام.

**کا با هر تگاهی چه بازار آزاد و چه سوسیال‌دموکراسی می‌بینیم که در مقطع کنونی برای تجارت و واردکردن پول به کشور یک سد بزرگ وجود دارد و آن عدم تصویب FATF است. به نظر هم رو نفر شما هم بر لزوم تصویب آن معتقدید. دولت آقای روحانی همه تلاشش را برای تصویب FATF به کار گرفت و در مجلس هم هم با همه کشمش‌ها تصویب شد که شورای نگهبان به آن ایراد گرفت و مدت‌هاست در مجمع تشخیص بلاتکلیف است. دولت بعد اگر عزم تصویب آن را داشته باشد، چه می‌تواند بکند؟**

**آخوندی:** FATF یک بحث بوروکراتیک دارد و معلوم است که باید تصویب شود. به نظر در اینجا قدرت و سیاست‌ی تعیین‌کننده‌اند. دولت‌ها در ابتدای کارشان سیاست‌شانه اجتماعی دارند. مثلاً وقتی آقای روحانی روی کار آمد، در همان سال‌های اولیه دولت می‌توانست برجام را به نتیجه برساند که رساند و اگر مثلاً می‌خواست سال ۹۸ این کار را بکند، شک نکند شکست می‌خورد. آقای روحانی باید در همان سال‌ها در کنار مذاکرات هسته‌ای بحث FATF را پیش می‌برد و به نتیجه می‌رساند.

**صادقی:** من مشکل را در ضعف دولت روحانی در شفافیت می‌دانم و باور دارم که دولت واقعاً باید پاسخ‌گو باشد. از طریق شفافیت می‌شود اقتصاد سیاسی و قدرت را وادار به پاسخ‌گویی کرد؛ چون بسیاری از اهرم‌ها دست دولت است.

**آخوندی:** بدون رقابت شفافیت ایجاد نمی‌شود آقای دکتر.

**صادقی:** بله رقابت لازمه یک اقتصاد سالم است.

**آخوندی:** و رقابت هم یعنی بازار آزاد.

**صادقی:** در مجموع من معتقدم که دولت ضعیف نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. دولت باید ابتدا با مکانیسم‌های گسترده‌ای که در اختیار دارد، خود را شفاف کند و بعد همه دستگاه‌ها و نهاده‌ا را وادار به شفافیت کند. بر دولت آقای روحانی یک تفکر امینتی حاکم بود و اولویت آن بیشتر سیاست خارجی و برجام بود و تقریباً حوزه‌های دیگر را هم.

**کا به عنوان بحث پایانی نظرتان را در درباره اختیارات رئیس‌جمهوری بفرمایید. هر رئیس‌جمهوری که می‌آید، در ابتدای کارش کلی شعار می‌دهد و در انتهای عمر دولتش می‌گوید اختیار ندارم. بالاخره رئیس‌جمهور اختیار دارد یا نه؟**

**آخوندی:** رئیس‌جمهور باید قانون اساسی را قبول داشته باشد و به نوعی با ملت قراردادی اجتماعی می‌بندد که قانون اساسی را اجرا کند و اگر توانست که هیچ اما اگر نتوانست به مردم صادقانه بگوید که نمی‌توانم و دلایل ناتوانی‌اش را کامل بیان کند. او باید صادق باشد و اصلاً پذیرفتنی نیست که هر رئیس‌جمهوری در انتهای دولتش بگوید اختیار نداریم که کار کنم.

**صادقی:** دولت باید پاسخ‌گو باشد و حتی به نظر من باید با تک‌تک وزرا هنگام شروع خدمت قرارداد بسته شود که آنها در چهار سال و در فواصل معینی گزارش عملکرد بدهند و اگر بدون دلیل قانع‌کننده اقدامات مقرر هم را انجام ندادند، باید پاسخ‌گو باشند و حتی از عهده خسارات وارده به مردم برآیند. اکنون برج‌آلشنی که بر همه چالش‌ها سایه انداخته، چالش نظام حکمرانی است. در این نظام حکمرانی هیچ‌کس مسئولیت‌پذیر نیست. دولت باید مسئولیت‌پذیری را از خودش شروع کند. باید با استقرار سامانه‌های هوشمند و فراگیر شفاف‌سازی را از خودش آغاز کند تا اهرمی بر دیگر نهاده‌ا و قوا باشد و آنها را هم در شفافیت و مبارزه با فساد همراه کند. دولت در مقطع کنونی عاملیت ندارد و دچار انفعال است. ظاهراً آقای روحانی فقط می‌خواهد خودش را در قدرت نگه دارد. من نمی‌دانم او برای آینده‌اش چه برنامه‌ای دارد اما هرچه هست، او نمی‌خواهد از دایره قدرت سیاسی‌ خارج شود و بنابراین دولت را با انفعال پیش می‌برد.

ادامه از صفحه اول

### سند ملی آمایش سرزمین آغازی بر یک پایان!

این سند که برای افق ۱۴۲۴ د.ش تدوین شده است، مشتمل بر ۱۶ ماده بوده که دربرگیرنده اجزائی مانند چشم‌انداز توسعه فضائی سرزمین، ۶ هدف، ۲۴ راهبرد، ۲۵۵ سیاست و الزامات اجرائی تحقق سند (مواد ۱۶ تا ۱۶۶) است. در چشم‌انداز و اهداف این سند بر مضامینی مانند اقتصاد متنوع، درون‌زا و برون‌گرا، ارزش‌آفرینی موقعیت مفصلی ایران و رقابت‌پذیری در شبکه جریان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فراهم‌سازی عدالت اجتماعی، رفاه و کیفیت زندگی شایسته برای همه مردم، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست از طریق همه‌بست امنیت غذا، آب و انرژی، دستیابی به نظام سکونت‌گاهی شبکه‌ی، متعادل، منسجم و هم‌پیوند، استقرار نظام حکمروایی سرزمینی توسعه‌گرا، عدالت‌محور و مردم‌گرا و در نهایت امنیت بلندس سرزمین تأکید شده است. متناسب با مضامین چشم‌انداز و اهداف، اهم جهت‌گیری‌های کلان زیر در قالب راهبردها و سیاست‌های این سند مورد توجه قرار گرفته است:

- تمرکززدایی از کلان‌شهر تهران، ظرفیت‌سازی برای نقش‌آفرینی شهرهای سطح یک (تبریز، مشهد، رشت، ساری، کرمانشاه، اهواز، بندرعباس، شیراز، اصفهان، کرمان، زاهدان و جاپهار) در شبکه شهرهای جهانی، تغییر رویکرد نسبت به مناطق رقی و تقویت آنها برای نقش‌آفرینی در سطوح ملی و بین‌المللی.
- فعال‌سازی ظرفیت‌ها، تقویت و تجهیز مبادی فرودگاهی شهرهای سطح یک و شهرهای مرزی، ارتقای سطح و عملکرد رقابتی بنادر کشور در شبکه خطوط دریایی جهانی و منطقه‌ای.

- پیوند جریان‌های بین‌المللی شرق به غرب و شمال به جنوب با گذر از سرزمین ایران از طریق تقویت زیرساخت‌ها و تجهیزات موردنیاز ارتباطی و لجستیکی.
- بسترسازی برون‌گرایی اقتصاد ملی از طریق دستیابی به بازارهای هدف کشورهای همسایه با تقویت، توسعه و تجهیز گذرراه‌های ترانزیتی و مبادی ارتباطی مرزی (تجاری‌سازی حمل‌ونقل).

- طرح‌ریزی نظام سکونت‌گاهی چندمرکزی، چندسطحی و چندعملکردی با رویکرد توسعه مکان‌های مرکزی، تثبیت مناطق کلان‌شهری، توسعه شهرهای کوچک و مابئی، تقویت کانون‌های روستایی متوسط و بزرگ.

- شبکه‌سازی و ایجاد زنجیره‌های جدید تولید بین‌الملل از طریق تعامل سازنده و فعال با نهادهای اقتصادی بین‌المللی، اصلاح سیاست‌ها و قوانین و جذب سرمایه‌های خصوصی داخلی و خارجی.

- تنوع‌بخشی به اقتصاد از طریق جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌ها و بارگذاری‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی در مناطق مختلف کشور متناسب با استعدادها، قابلیت‌ها و شایستگی‌ها.

- تحول در حوزه کشاورزی از طریق اصلاح ساختارها و نظام بهره‌برداری و هوشمندسازی آن و نیز توسعه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی با تأکید بر تقاضامحوری، ارزش‌افزایی و کاهش ضایعات.

- تحول در حوزه صنعتی از طریق بسط رویکرد توسعه خوشه‌ای، شبکه‌سازی و ایجاد زنجیره فعالیت‌های تولیدی در شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و استقرار فعالیت‌های صنعتی و معدنی اولویت‌دار مبتنی بر تخصص‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای، در پایان باید گفت این سند تلاش کرده است تا با رویکرد جامع و مبتنی بر تحلیل شرایط کشور (شناخت مسائل، تنگناها، محدودیت‌ها، قابلیت‌ها و مزیت‌ها) در حوزه‌های مختلفی مانند تنوع‌بخشی به اقتصاد، تحول در کشاورزی، ساماندهی استقرار صنایع در کشور، بهره‌وری و متنوع‌سازی منابع تولید انرژی، سازگاری توسعه با محیط زیست، تأمین آب پایدار و نهادینه‌سازی حکمروایی آب، تغییر الگوی تک‌مرکزی شبکه سکونت‌گاهی، حفظ و جذب جمعیت در روستاها، تقویت میراث معنوی و زیستی جامعه عشایری، فراوری موقعیت منطقه‌ای ممتاز کشور، توسعه شبکه ملی ارتباطات، تجاری‌سازی حمل‌ونقل، پیوسته‌سازی شبکه حمل‌ونقل ترکیبی و لجستیک

با کانون‌های استقرار جمعیت و فعالیت، بسترسازی استقرار جمعیت و فعالیت در مناطق مستعد کم‌تراکم، ارتقای سرمایه اجتماعی و نظام حکمروایی سرزمینی، تقویت انسجام ملی و هویت اسلامی – ایرانی، تأمین امنیت همه‌جانبه و بازدارنده، سیاست‌هایی مشخص را پیشنهاد دسد و در موارد لزوم به نتیجه‌گیری‌های مکانی و تعیین مصادیق منتهی شده. با ابلاغ این سند، حلقه مفقوده سلسله‌مراحل توسعه کشور که به نحوی بیس از قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، فرادست‌ترین سند توسعه‌کنشور به شمار می‌رود، تکمیل شده و مطابق با بند ۷ ابلاغیه این سند، همه اسناد توسعه سرزمینی ملی و استانی (اعم از طرح‌های جامع شهری، برنامه‌های جامع بخش‌ها و...) باید براساس خطوط کلی و جهت‌گیری‌های آن مورد بازنگری قرار گیرند. امید می‌رود در طلیعه قرن جدید و با پایان‌یافتن انتظارها برای برخورداری نظام برنامه‌ریزی کشور از چنین سندی که الهام‌بخش و جهت‌دهنده به سازوکارهای توسعه سرزمین است، دستگاه برنامه‌ریزی کشور بتواند با فراهم‌سازی لوازم تحقق‌پذیری سند و برطرف‌سازی مستمر کاستی‌ها و ضعف‌های آن متناسب با شرایط کشور و واقعیات داخلی و خارجی، سرزمین ایران را که سالیان طولانی در تله «بیشتری‌گری»، «اضمحلال فرصت‌ها»، «تخریب منابع»، «بی‌توجهی به منافع عمومی» و در نهایت «انسداد امید» گرفتار بوده است، برهاند و بساط پنهان‌تراشی‌ها و ماسک‌گذاری‌های غلط در برنامه‌ریزی و مدیریت سرزمین را برچیند و آغازی باشد بر یک پایان!

✦ رئیس گروه آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه کشور